



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

شاکسه های رسنگاری

از دیدگاه

قرآن کریم

نویسنده: مهدی عازفی جو



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شاخصه های رستگاری از دیدگاه قرآن کریم

نویسنده:

مهدی عارفی جو

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	شاخصه های رستگاری از دیدگاه قرآن کریم
۷	مشخصات کتاب
۷	چکیده
۷	مقدمه
۷	شرح واژگان
۷	فوز
۸	فلاح
۸	سعادت
۸	نجات
۸	نجاح
۹	سعادت و رستگاری چیست؟
۹	شاخصه های رستگاری
۹	ایمان
۱۰	عمل صالح
۱۱	تقوا
۱۲	نماز
۱۲	زکات
۱۲	امر به معروف و نهی از منکر
۱۳	اخلاص در عبادت
۱۳	توسل
۱۴	توبه
۱۴	وفای به عهد و امانت

۱۵	انفاق
۱۵	یاد خدا و نعمات او
۱۶	زهد و عدم دلبستگی به دنیا
۱۶	تمسک به قرآن
۱۶	تزکیه نفس
۱۷	پیروی از خدا و رسول
۱۷	صبر
۱۸	جهاد
۱۹	تولی و تبری
۱۹	رضوان الهی
۱۹	نتیجه
۲۰	فهرست منابع
۲۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

شاخصه های رستگاری از دیدگاه قرآن کریم

مشخصات کتاب

نویسنده: مهدی عارفی جو

چکیده

رستگاری از دیدگاه قرآن، دارای شاخصه‌ها و ملاک‌هایی می‌باشد که از میان آن‌ها، ایمان و عمل صالح از اهمیت بیشتری برخوردار است و در عین حال برای حصول به رستگاری مطلوب، وجود شاخصه‌های دیگری چون تقوا، نماز، زکات و... شرط لازم شمرده شده است. آنچه که قرآن در نهایت عوامل و شاخصه‌های وصول به رستگاری معرفی می‌نماید، کسب رضایت الهی است که عالی‌ترین نوع رستگاری انسان را نیز شامل می‌شود. واژگان کلیدی: قرآن، شاخصه، رستگاری، سعادت، فوز، فلاح.

مقدمه

موضوع قرآن، انسان است؛ از هر جنس، نژاد و طبقه‌ای و در هر مکان و زمانی. این مهم، از خطاب‌های عام قرآن به خوبی استفاده می‌شود. چه اینکه واژه «ناس» که حدود ۲۴۸ بار، «ایها الناس» ۲۱ بار، «یا بنی آدم» ۵ بار و «انسان» ۶۵ بار در قرآن آمده است. همان انسانی که خدا، او را جانشین خود در زمین، پذیرای امانت سنگین خداوندی، برخوردار از اندیشه و همراه با دانشی که می‌تواند حق را از باطل بازشناسد و خدا وی را محور عالم آفرینش و دارای کرامت معرفی کرده است. باید گفت که هدف و غایت قرآن، فلاح انسان است. یکی از مباحث بنیادین در حوزه علوم اسلامی، ارزش‌گذاری اعمال و نیات انسان در قالب نظام اخلاقی مبتنی بر جهان‌بینی الهی و مشتمل بر مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها با هدف دستیابی و نیل به کمال مطلوب و درجات والای معنوی است. این نوشتار درصدد بیان شاخصه‌ها و عوامل رستگاری و سعادت انسان از دیدگاه قرآن با هدف ارائه الگویی قابل قبول در مباحث اسلامی برای کسانی که می‌خواهند راه سعادت را پیمایند است. شیوه تحقیق نیز به این صورت است که ابتدا واژگان مرتبط با رستگاری در قرآن را از نظر معنا و تعریف مورد مذاقه قرار گرفته و سپس بحث کوتاهی درباره سعادت و رستگاری و با بر شمردن ۲۰ شاخصه رستگاری از دیدگاه قرآن نوشتار ادامه می‌یابد.

شرح واژگان

فوز

اصل معنای واژه، به دست آوردن و برخوردار شدن از خیر و نعمت و سود گویند: فوز استفاده زیاد از خیر است (طوسی، ۱۰/۳۲۰)، فوز، آن سعادت بزرگ و رستگاری آشکار است (ابو حیان ۱۴۲۰ ق، ۳/۴۵۴) در معاجم لغوی برای واژه فوز، مفاهیمی از قبیل پیروزی، رسیدن به آرزو و نجات از شر و هلاکت اشاره کرده‌اند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۵/۴۵۶، فیومی ۱۴۰۵ ق، ۴۸۳، این منظور ۱۴۰۵ ق، ۵/۳۹۲)

در قرآن این واژه ۲۹ مرتبه به کار برده شده و این کلمه با اوصفای چون، مبین، عظیم و کبیر وصف شده است. منافقان فوز عظیم را در رسیدن به مال دنیا و به دست آوردن غنائم جنگی دانسته‌اند (نساء/۷۳) و در قرآن فوز به معنای مشمول رحمت خدا واقع شدن و خوشنودی او را کسب کردن است. (مائده/۱۱۹، نساء/۷۳، جاثیه/۳۰)، اصلاح اعمال (احزاب/۷۱)، بخشایش گناهان و ورود به بهشت (صف/۱۲، فتح/۵) محفوظ ماندن از هراس روز قیامت (نماز/۹) از دیگر معانی آنهاست.

فلاح

اصل معنای آن بدون در نظر گرفتن معادل‌های معنایی و کاربردی آن، شکافتن و جدا کردن است عده‌ای از دانشمندان می‌گویند. اصل فلاح جدا کردن است. (عکبری، ۲۷۷)، اصل فلاح شکافتن است. (بغدادی، ۱۴۱۵ ق: ۱/۲۶)، اصل فلاح بقاء است (ابو الفتح رازی ۱۴۰۸ ق: ۱۳/۱۶۳)، فلاح ماندن در نعمت است (سمرقندی ۱/۲۴) یکی از واژگان متضاد با فلاح، خسر است خاسر کسی است که جان خود را از بهره (فوز و فلاح) و سود رسانی به خود، کم و محروم کرده است. (شوکانی، ۱۴۱۴ ق: ۱/۶۹) عده‌ای فلاح را مقدم فوز دانسته‌اند. ابن جوزی در معنای حی علی الفلاح می‌گوید: معنای آن یعنی بشتابید به راه فوز و ورد به بهشت (ابن جوزی ۱۴۲۲ ق: ۱/۲۷)

در قرآن در ساختار اسمی و فعلی مجموعاً ۴۵ مرتبه فلاح به کار رفته است و از دیدگاه قرآن کسی که به فلاح دست یافته از مفلحین است. عالمان در معنای مفلحون چنین گفته‌اند: رستگاران به رسیدن ثواب خدا. (طبرسی، ۳/۱۷ و ۵/۳۱). یفلحون یعنی رستگاران به مقصودشان و این شامل معنای فلاح است. (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ ق: ۲/۴۶۴)

سعادت

سعادت اصلش دلالت دارد بر خیر و شادمانی و متضاد آن نحس است و سعد یعنی خوشی در کارها (طبرسی، ۳/۱۷ و ۵/۳۱)، سعد به معنای نیکو و خوش یمن، نقیض نحس و سعادت خلاف شقاوت است (ابن منظور ۱۴۰۵ ق: ۳/۲۱۲)، سعادت کمک خدا برای انسان است در رسیدن به خیر و متضاد آن شقاوت است. (انیس ابراهیم، ۱۳۶۷ ش: ۱/۴۳) در اصطلاح سعادت مند کسی است که به کمال مطلوب خود رسیده باشد، از این رو، سعادت انسان عبارت است از کمال واقعی او، لذا کمال حقیقی برای انسان همان هدف واقعی است که به منظور رسیدن به آن آفریده شده و آن وصول انسان به خیر مطلق است.

نجات

نجات رهایی و خلاصی از موقعیتی نامطلوب است: (عسکری، ۱۴۰۰ ق، ۵۳۲). واژه نجات از واژگانی است که در قرآن به مفهوم رستگاری به کار رفته و معنای رایج آن رهایی از هلاکت است. در مصباح المنیر آن را به معنای خالص شدن، و ناب شدن است. (فیتومی، ۱۴۰۵ ق، ۵۹۲)

نجاح

اکثر فرهنگ‌های لغت، نجاح را به رسیدن مقصود و دستیابی به مطلوب معنا کرده‌اند. نجاح یعنی پیروزی بر نیازمندی (ابن قتیبه، ۲/۱۷۵)

از واژگانی که گفته شد نتیجه می‌شود که: ۱- واژه‌های فوز و فلاح، معادل‌های عربی رستگاری‌اند که به ترتیب کامل‌ترین معنا از رستگاری را ارائه می‌دهند و این واژه‌ها را می‌توان با هم مشترک معنوی دانست. ۲- باید گفت که واژه نجات، معنای کامل

رستگاری را نمی‌رساند و نجات یعنی رهایی از وضعیت نامطلوب، اما فوز به معنای رهایی از وضعیت نامطلوب و رسیدن به وضعیت مطلوب است. بنا بر این نجات تنها نیمی از فرآیند رستگاری را بیان می‌کند (عسکری، ۱۴۰۰ ق: ۵۳۲)

۳- می‌توان گفت در میان واژگان مطرح شده سعادت از حوزه معنایی گسترده‌تری برخوردار است و بر خلاف رستگاری که همیشه در زبان دینی به کار می‌رود، در عرصه‌های اخلاقی و فلسفی نیز کاربرد دارد.

سعادت و رستگاری چیست؟

گاهی واژه سعادت مساوی با فلاح است. فلاح و مشتقات آن ۴۰ مرتبه و فوز ۲۹ مرتبه در قرآن ذکر شده که به طور مشخص در قرآن از ریشه فلاح واژه‌های (افلح، یفلح، تفلحوا تفلحون، یفلحون، مفلحین) به کار رفته و نیز از ریشه فوز واژه‌های (فاز، افوز، الفوز فوزاً، الفائزون، مفاضة، مفازتهم) در قرآن به کار رفته است. در فرهنگ عمید رستگار و رستگاری را به معنای آزادی، رهایی، آسودگی و نجات یافتگی گرفته است.

اسلام به عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین دین الهی رستگاری انسان‌ها را در قرآن بیان کرده و در ضمن آیات مربوطه از صفات و علائم رستگاران و سعادت‌مندان واقعی و اخروی سخن نموده که البته رستگاری از هر دو بعدش، هم دنیوی و هم اخروی مدنظر بوده و از آنجا که حیات اخروی جاودانی و ابدی است از اهمیت بیشتری برخوردار است.

از آنجا که خدای متعال رسیدن به کمال و سعادت را در اختیار انسان قرار داده و به مقتضای آیه "ثم السبیل ینیره" کار رسیدن به سعادت را سهل و آسان کرده است، حقیقت سعادت روح انسان جز ایمان و عمل صالح و خالص به دستورات خدا که از روی اراده و اختیار از او صادر شود، چیز دیگری نیست. شقاوت هم که در مقابل سعادت است، چیزی جز مخالفت با دستورات الهی نیست از روی عناد و لجاجت با خدا و انکار وجود او و قیامت و انبیاء و اوصیاء الهی می‌باشد.

علامه می‌فرماید: راه وصول به سعادت همان ایمان به خدا و عمل صالح است که از روی اراده و اختیار انسان صادر می‌شود و سعادت و شقاوت، ذاتی انسان نیست، بلکه امری است اکتسابی و این انسان است که یا سعادت‌مند می‌شود، یا اهل شقاوت. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق:، ۱۲/۱۸)

در ادیان و مذاهب دیگر نیز رستگاری به معنای عمومی سعادت، رهایی و نیکبختی، در همه مذاهب مشترک است، اما تفاوت در روند حصول رستگاری و قلمروئی است که مذاهب برای دستیابی به آن برگزیده‌اند. پس آموزه رستگاری در میان معارف قرآنی دارای اهمیت ویژه‌ای است. دلیل این اهمیت را می‌توان در جایگاه و نقش آن به عنوان نتیجه دیگر آموزه‌های اعتقادی و عملی جستجو کرد. البته فراوانی کاربرد واژه‌های مرتبط با رستگاری نیز بیانگر همین واقعیت است.

شاخصه‌های رستگاری

ایمان

ایمان به معنای اذعان و تصدیق به چیزی و التزام به لوازم آن است. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۵/۶) ایمان تصدیق توأم با تسلیم و اطمینان خاطر است. (قرشی، ۱۳۷۷ ش، ۷/۹۱) ایمان مفهومی جامع است و ماهیت آن تصدیق قلبی است. البته ایمان دارای متعلقات بسیاری است که ما در این نوشتار اهم آن را به اختصار بر می‌شمیریم از جمله: ایمان به یگانگی خدا، ایمان به معاد؛ ایمان به پیامبران، ایمان به وحی ایمان به غیب، ایمان به ولایت و امامت.

باید به این نکته توجه داشت که ایمان فقط به گفتار نیست و همان‌طور که امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: ملعون است،

ملعون، کسی که بگوید ایمان فقط گفتار است بدون عمل (کلینی ۱۳۶۲ ش: ۲/۴۰۹) مؤمنان یعنی تصدیق کنندگان به خدا و یگانگی او و پیغمبران او و آنچه نبی خاتم آورده. (میرزا خسروانی، ۱۳۹۰ ق: ۶/۱۰۸)

ایمان را می‌توان نخستین و مهم‌ترین مرحله برای رسیدن به رستگاری بر شمرد و تمام مراحل بعد وابسته به این مرحله، یعنی ایمان است.

خداوند در آیات ابتدائی سوره مؤمنون اشاره به صفاتی از ایمان و مشخصه‌های مؤمنین دارد. که این آیات از ابتدای سوره تا آیه یازده ادامه می‌یابد. خداوند در ابتدای این سوره از فعل ماضی در مورد اشاره به رستگاری مؤمنین استفاده می‌کند (قد افلح المؤمنون) که برای تأکید بیشتر بر رستگاری مؤمنین است و نشان دهنده این است که رستگاری آنان به قدری مسلم است که گوئی قبلاً تحقق یافته و استفاده از کلمه (قد) این تأکید را دو چندان می‌کند و نیز تعبیراتی همچون خاشعون، معرضون راعون، يحافظون و... همه دلیل بر آن است که برنامه‌های مؤمنان راستین در این اوصاف برجسته موقتی و محدود نیست بلکه مستمر و دائمی است. (مکارم، ۱۳۷۴ ش: ۱۴/۲۰۳)

بنا بر مشخصه‌های مؤمنین در این آیات می‌توان قطعی بودن رستگاری ایشان، خشوع داشتن در نماز، روی گردان بودن از هر نوع لغوی، پرداخت کنندگان زکات، عقیف بودن، رعایت کنندگان عهد و امانت، مواظبین به نماز و وارثان بهشت بودن دانست. شایسته است که در این فرصت اشاره مختصری به لزوم وجود شناخت و معرفت در تحقق ایمان داشته باشیم. در آیه ۲۸ فاطر خداوند می‌فرماید: یقیناً از بین بندگان خدا، تنها دانایان و دانشوران خدا ترس هستند. در این آیه، خشیت که از آثار ایمان است، برخاسته از علم و آگاهی به مقام خدا معرفی شده است. (امینی، ۱۳۸۶ ش: ۳۱۰) همچنین در این باب شهید مطهری می‌فرماید: یکی از ارکان زندگی بشر، این است که به چیزی ایمان داشته باشد و آن را حقیقت بیندارد و در برابرش تسلیم باشد. (مطهری، ۱۳۷۲ ش: ۴۷) بنابر این، استفاده صحیح از علم و آگاهی به مباحث دینی می‌تواند زمینه شناخت هر چه بهتر و ایمان هر چه قوی تر به خدا را فراهم آورد.

نتیجه آنکه مزین شدن نفس به جمیع مراتب ایمان (اعتقاد قلبی، اقرار زبانی، عمل کردن با جوارح و اعضاء) می‌توند آدمی را در این دنیا و سرای آخرت سعادت‌مند کند و وی را از جمیع شرور حفظ نماید. علی (علیه السلام) درباره ارتباط ایمان و سعادت می‌فرماید: انسان به سبب ایمان به سوی مرتبه‌ی بالای نیکبختی و نهایت سرور و شادمانی بالا برده می‌شود. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۲۹۸)

عمل صالح

هر کاری را که حیوان از روی قصد انجام می‌دهد، عمل نامیده می‌شود. (راغب، ۱۲۹۰ ش، ۵۸۷) و صالح از ریشه صلاح به معنای ضد فساد است (راغب، ۱۲۹۰ ش: ۵۸۷) عمل صالح، عملی است که در شرع به عنوان واجب یا مستحب معرفی شده و سالک از طریق انجام آن می‌تواند سیر و سلوک کند و به مقام قرب نائل گردد. (امینی، ۱۳۸۶ ش: ۲۵۴)

در قرآن هر جا که صفات مؤمنان را بر می‌شمارد به دنبال ایمان، عمل صالح را ذکر می‌فرماید یعنی این دو با هم موجب خوشبختی انسان است. واژه عمل و مشتقات آن در بیشتر از ۳۰۰ آیه قرآن به کار رفته که از این تعداد ۱۱۰ مورد از عمل صالح به عنوان عامل رستگاری یاد شده است. عمل صالح به طور کلی عملی است که انجام آن، باعث مدح عامل آن می‌شود. البته این تعریف با افزودن قیودی می‌تواند به تعریفی نسبتاً جامع و مانع تبدیل شود این قیود عبارتند از: الف) مخالف احکام و دستورات پروردگار نبوده و مورد درخواست خدا باشد. ب) با فطرت و عقل سلیم سازگاری داشته و مخالف آن‌ها نباشد. ج) مصالح فردی و اجتماعی را تأمین کند و در حقیقت فایده اجتماعی و فردی داشته باشد.

از جمله اعمال صالح، پیش قدمی در کارهای خیر است "أُولَئِكَ يُسَيِّرُ عُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ" (مؤمنون/۶۱) البته باید متذکر شد که خیر و سعادت و برکت آن چیزی نیست که غرق شده گان در ناز و نعمت و غافلان مغرور به دنیا، می‌پندارند. یکی دیگر از علل اهمیت اعمال صالح را می‌توان توفیق بهره‌مندی از بهشت و رضوان الهی، مشروط به انجام اعمال شایسته دانست؛ قرآن می‌فرماید: «... فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا...» (کهف/۱۱۰) در آیه ۶۷ قصص، عمل صالح در کنار ایمان و توبه به عنوان یکی از راه‌های رسیدن به رستگاری شمرده شده و می‌فرماید: «فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ» از نگاه بسیاری از مفسرین تعبیر (عسی) در این آیه از آنجا که از شخص کریمی (خداوند تبارک و تعالی) صادر می‌شود، به معنای قطعی بودن سعادت است که البته این سعادت در گرو ماندگاری و دوام این حالت‌ها (توبه، ایمان و عمل صالح) است.

تقوا

در اندیشه دینی تقوا به معنای منع کردن نفس از هر گونه بدی و آلودگی و پیروی از دستورات الهی در تمام جهات زندگی است. تقوا را می‌توان وسیله‌ای برای هموار سازی راه رسیدن انسان به رستگاری و فلاح دانست. چرا که ایجاد وقایه برای نفس و تزکیه آن از ناپاکی‌ها و رذائل اخلاقی انسان را به مقام فلاح می‌رساند.

در بسیاری از تفاسیر نیز به این مهم اشاره شده از جمله: صبر و تقوا اساس هر سعادت است. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ ق، ۷/۱۵۷)، تقوای الهی راه فلاح، فوز، نجات و کسب خیر دنیا و آخرت است. (زحیلی ۱۴۰۸ ق، ۷/۷۷)، قطعاً تقوای الهی سبب امید به فلاح است. (ابو حیان، ۱۴۲۰ ق: ۳/۳۰۴)، تقوی مجمع خیر و فوز و (رهایی) از هر شری است. (ابن عجبیه ۱۴۱۹ ق: ۲/۳۶) در قرآن آیات متعددی به موضوع تقوا پرداخته که در این جا به طور مختصر عرض می‌کنیم.

نقش تقوا در رسیدن انسان به پاداش عظیم و محو گناهان او (طلاق/۵)، معیار کرامت انسان به میزان تقوای اوست (حجرات/۱)، برترین توشه برای آخرت تقوا است (بقره/۱۹۷) و نیز در آیه ۲۰۰ آل عمران اشاره دارد که «شرط رسیدن به رستگاری آن است که استقامت، مصابره و مرابطه باید آمیخته با تقوا و پرهیزگاری باشد و از هر گونه خود خواهی، ریاکاری و اغراض شخصی به دور گردد.» (مکارم، ۱۳۷۴ ش، ۳/۲۳۵)

در روایات نیز به رابطه تقوی و رستگاری اشارات فراوانی شده از جمله امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید: تقوا درب هر توبه بوده و سرآغاز هر حکمتی می‌باشد و هر عملی با تقوا شرافت می‌یابد و هر کس از پرهیزکاران نجات یافته به وسیله تقوا بوده. (دشتی، ۱۳۷۲ ش: ۵/۱۴۴)

خداوند در آیه ۱۰۲ آل عمران می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ...» که در این فراز آیه، خدا مؤمنین را دعوت می‌کند تا حق تقوا را رعایت کنند و البته حق تقوا را هر کس به اندازه توان خود می‌تواند رعایت کند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: حق تقوا آن است که آدمی پیوسته فرمان خدا را اطاعت کند و هیچگاه او را معصیت ننماید و همواره به یاد او باشد در برابر نعمات او شکرگزار بوده و نعمت او را کفران و ناسپاسی ننماید (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۱/۱۹۴) بنابر این، عالی‌ترین درجه تقوا رعایت حق تقوای الهی است که مصداق بارز آن اهل بیت (علیهم السلام) هستند و البته شایان ذکر است که پس از نزول این آیه واعلام عدم توانایی صحابه از عمل به این آیه، خداوند آیه ۱۶ سوره تغابن رانازل فرمود: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتِطَعْتُمْ» "برای تقوا ما در قرآن مصادیق متعددی داریم از جمله: منع نفس از طمع و بخل‌ورزی (حشر/۹)، روی گردانی از لغو (مؤمنون/۳)، پرهیز از شراب و قمار و بت‌پرستی (مائده/۹۰) پرهیز از رباخواری (آل عمران/۱۳۰)

نماز

از عوامل بسیار مهم رسیدن انسان به سعادت اخروی نماز می‌باشد. خداوند می‌فرماید: "قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ" (مؤمنون ۲-۱) در آیات ابتدائی سوره مؤمنون، صفات مؤمنین، ابتدا و انتهای آن با نماز است.

اسلام به نماز، اهتمام ویژه‌ای دارد به عنوان نمونه در بسیاری از روایات، ترک عمدی نماز، معادل کفر است و این عمل مهم عبادی در هیچ شرائطی قابل تعطیل شدن نیست.

قرآن نیز مؤمنان را به مراقبت همیشگی از نماز سفارش می‌کند و می‌فرماید: "حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ" (... بقره/۲۳۸) و نیز در آیه ۹۲ انعام محافظت از نماز را جزو نشانه‌های ایمان به آخرت معرفی می‌کند... "وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ" و نیز در توصیف حال مجرمان، وقتی که بهشتیان علت حضور مجرمان در دوزخ را جویا می‌شوند، مجرمان اعتراف می‌کنند که «قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (مدثر/۴۳)

علمای اخلاق و سیر و سلوک همواره اعلام می‌دارند که اقامه نماز یکی از بهترین عوامل سیر و سلوک معنوی و تقرب الی الله است. بنابر این، انسانی که طالب سعادت است در مرتبه اول باید فرائض و واجبات را با کیفیت مشروع انجام دهد که اگر آنها را با اخلاص و حضور قلب انجام دهد بهترین وسیله برای تقرب به خدا را کسب کرده است.

نمونه‌های فراوانی از انسان‌های سعادت‌مند در تاریخ وجود دارد که عامل سعادتشان، رعایت کردن و مواظبت بر نماز اول وقت همراه با خشوع بوده است.

زکات

یکی از عوامل مهم سعادت در دنیا و آخرت مسأله زکات است «زکات شامل زکات شرعی، انفاق مال، صدقه و زکات فطره می‌باشد.» (مکارم، ۱۳۷۴ ش: ۲۰/ ۱۹۶)

در آیه ۴ سوره مؤمنون، زکات دادن از شاخصه‌های مؤمنین و یکی از عوامل رستگاری به شمار آمده است. مطابق این آیات انسان برای رسیدن به سعادت غیر از توجه به نماز و اعمال عبادی باید به مسائل اجتماعی که از مهم‌ترین مصادیق آن زکات است توجه نماید. زیرا نماز رحمت جسمی و زکات زحمت گذشتن از مال دنیا را به همراه دارد و اثر آن جلا دادن به قلب و موجب نورانیت روح انسان می‌شود.

در تفسیر نمونه در مبحث زکات آمده که: مفسد و آلودگی‌هایی که در جامعه به خاطر فقر و فاصله طبقاتی و محرومیت گروهی از جامعه به وجود می‌آید، با انجام این فریضه الهی (زکات) برچیده شده و صفحه اجتماع را از این آلودگی‌ها پاک می‌سازد و نیز همبستگی اجتماعی و پیشرفت اقتصادی در سایه این گونه برنامه‌ها تأمین می‌شود. در آیات متعددی زکات دادن از عوامل ایمان و نیکوکاری دانسته شده است همچون آیه ۴ سوره لقمان: (الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ)

امر به معروف و نهی از منکر

خداوند در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران می‌فرماید: "وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" از این آیه مستفاد می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر به طور مستقل به سعادت انسان منتهی می‌شود. البته این کار شرائطی دارد که با وجود آن شرائط بر فرد واجب می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر نماید. (عاملی، ۱۳۶۰ ش ۲/۱۵۴)

امت در اصل از ماده (ام) و به معنی هر چیزی است که اشیاء دیگری به آن ضمیم گردد و به همین جهت (امت) به جماعتی گویند

که جنبه وحدتی در میان آنان باشد. خواه وحدت از نظر زمان یا مکان و یا هدف باشد. خداوند پیش از آیه ۱۰۴ آل عمران مردم را به تقوا و خودسازی دعوت و سپس به وحدت و همبستگی فرا می‌خواند و در آیه ۱۰۴ آل عمران، مسئولیتی خطیر را بر عهده مسلمانان می‌گذارد که رعایت آن موجب حفظ طهارت آحاد جامعه و اتحاد می‌شود و آن دعوت به خیر و نظارت همگانی بر جامعه به منظور رعایت ارزش‌ها و دوری از ضد ارزش‌هاست. وحدت کلمه بر محور کلمه توحید بارزترین مصداق معروف و تفرقه و اختلاف بارزترین مصداق منکر است و نیز در این آیه خداوند اشاره به دعوت به خیر می‌کند، که دعوت به خیر از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و از احکام بین‌المللی اسلام است لکن امر به معروف و نهی از منکر از برنامه‌های داخلی حوزه اسلامی است. یعنی عده‌ای باید جامعه جهانی را به خیر دعوت کنند و در داخل حوزه اسلامی نیز با نظارت بر همگان از پیدایش فساد و آلودگی در ابعاد مختلف جامعه جلوگیری کنند.

علی (علیه السلام) در باب امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان در برابر دریاها پهن‌تر است. (شریف رضی، ۱۳۷۹ ش: حکمت ۳۷۴)

در قرآن امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان به ۵ مرحله تقسیم کرد.

اخلاص در عبادت

یکی از عوامل که می‌تواند انسان را به رستگاری برساند اخلاص در عبادت است. فوز و نجات فقط وابسته به اخلاص در عبادت است که (فوز و نجات) فقط با درخواست از خداوند حاصل نمی‌گردد (ابن قیم، ۱۴۱۰ ق: ۲۵۳) در آیات ۶۱-۳۹ سوره صافات، خداوند به مقام والا و با عظمت افرادی اشاره می‌کند که مورد تکریم و انعام خاص خدا هستند و به عنوان الگو برای سایرین معرفی گردیده‌اند تا ملاک عمل خالصانه برای همه افرادی باشند که می‌خواهند از انواع رزق، نعمت و کرامت حق در دنیا و آخرت برخوردار شده و به مقام فوز عظیم نائل گردند. محور همه این موارد اخلاص در عبادت بوده و لازمه رسیدن به آن مقام، خلاص و رهایی یافتن از هر آن چیزی است که غیر خدا باشد.

نکته دیگری که شایان ذکر است این است که برخی (مبین) بودن فوز که یکی از مراتب فوز است را عبارت از خلوص فوز از شرائب مادی و معنوی دانسته‌اند همچون (ذلک هو الفوز المبین) فوز مبین زمانی است که خالص از شوائب بشود. (قمی، ۱۳۸۲ ش: ۱۲/۲۶۳- سبزواری، ۱۴۰۶ ق: ۶/۴۲۰ - مجلسی، ۶۴/۴۹)

توسل

حقیقت وسیله به درگاه خدا، مراعات راه خداست به این که اولاً به احکام او علم پیدا کنی و در ثانی به بندگی او پردازی و ثالثاً در جستجوی مکارم و عمل به مستحبات شریعت باشی. (راغب، ۱۲۹۰ ش: ۵۲۴)

استفاده از وسیله برای تقرب به خدا که در آیه ۳۵ سوره مائده به آن اشاره شده " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ " مؤمنینی را که به تقوای الهی و توسل جستن و جهاد در راه خدا متصوف هستند را به رستگاری نوید می‌دهد. علامه طباطبائی ذیل این آیه می‌فرماید: وسیله نوعی توصل است در مورد خدا که منزله از مکان و جسم است و توصل معنوی و پیدا کردن رابطه‌ای است که بین بنده و پروردگارش هیچ رابطه‌ای به جز عبودیت نیست قهراً وسیله عبارتست از اینکه انسان به حقیقت عبودیت دست یابد و به درگاه خدا وجه فقر و مسکنت به خود گیرد. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۵/۳۲۸)

وسیله به معنای رساندن خود به چیزی با میل و رغبت است و این کلمه از نظر معنا خصوصی‌تر از کلمه وسیله است (راغب ۱۲۹۰ ش: ۵۱۳) و برخی گفته‌اند مقصود، توسل به ائمه است که در نزد خدا صاحب آبرویند و دست به دامن ائمه شدن برای تقرب به

خدا می‌باشد.

بنابر این، می‌توان گفت، وسیله در آیه فوق، معنی بسیار وسیعی دارد، و هر کار و هر چیزی را که باعث نزدیک شدن به پیشگاه پروردگار شود را شامل می‌شود. از مهم‌ترین مصادیق آن می‌توان به: ایمان به خدا و پیامبر، جهاد، عبادات، صله رحم، انفاق در راه خدا و نیز شفاعت پیامبران، امامان و بندگان صالح خدا که طبق صریح قرآن، موجب تقرب به پروردگار می‌گردد، اشاره کرد. و نیز باید به پیروی از پیامبر و امام نیز اشاره کرد و حتی سوگند دادن خدا به مقام والای پیامبران و امامان و صالحان که نشانه علاقه به آن‌ها و اهمیت دادن به مقام و مکتب آنان می‌باشد جزء مفهوم وسیع، وسیله قرار می‌گیرد.

توبه

یکی از مهم‌ترین عواملی که موجب سعادت و ارتقای آدمی به مقام قرب الی الله می‌شود، توبه است. خداوند در آیه ۳۱ نور می‌فرماید...: "وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ" در این آیه خدا بعد از تذکرات و دستوراتی که در مورد حفظ عفت به مردان و زنان مؤمن می‌دهد، می‌فرماید در هر جایی که مخالفت این احکام را نمودید، توبه کنید و از مخالفت با اوامر الهی به موافقت باز آید که رستگاری شما را حاصل خواهد داشت.

در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده: اگر در گذشته کارهای خلافی انجام داده‌اید اکنون که حقایق احکام اسلام برای شما تبیین شد از خطاهای خود توبه کنید و برای نجات و فلاح، به سوی خدا آید که رستگاری تنها بر در خانه اوست، و بر سر راه شما لغزشگاه‌های خطرناکی وجود دارد که جز با لطف او نجات ممکن نیست، خود را به او بسپارید. (مکارم، ۱۳۷۴ ش: ۱۴/۴۴۲) بنابر این، کسی که می‌خواهد به سعادت برسد، در مرحله اول باید از تمام گناهانی که مرتکب شده توبه کند و آن توبه براساس آیه ۸ سوره تحریم "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا" ... باید توبه نصوح باشد و تصمیم قاطع بگیرند که دیگر به سراغ معصیت نروند و قطعاً بر اساس همین آیه که در ادامه‌اش وعده بخشش گناهان و ورود به بهشت و رستگاری را به تواین داده، توبه آنان را می‌پذیرد و آنان را به رستگاری می‌رساند؛ نیز در دعای جوشن کبیر می‌خوانیم: (یا من وعده صدق) که به معنی آن است که ای کسی که وعده او راست است. و نمونه این آیه نیز در آیه ۶۷ سوره قصص آمده که: "فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَغَسَّيْنَا أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ" که نشانه از این است که توبه و انابه از گناهان گذشته و اطاعت از فرامین الهی گام مهمی برای رسیدن به هدف متعالی انسان یعنی سعادت دنیوی و اخروی می‌باشد.

وفای به عهد و امانت

یکی از صفاتی که برای مؤمنان رستگار در ابتدای سوره مؤمنون مطرح شده همین وفای به عهد و امانت است. "وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ" حفظ و ادای امانت و هم‌چنین پایبند بودن به عهد و پیمان در برابر خالق و خلق از صفات بارز مؤمنان است. (مکارم، ۱۳۷۴ ش: ۱۳/۱۹۹) و نیز علامه طباطبائی می‌فرماید: امانات شامل تمامی تکالیف الهی که در بشر به ودیعه سپرده شده و نیز اعضاء و جوارح و قوای بشری و هر نعمت و مالی است که به آدمی داده شده می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۵/۱۱)

اگر افراد یک جامعه پایبند به عهد و پیمان باشند و امانت داری از ویژگی‌های آن‌ها محسوب شود، بسیاری از مشکلات حل می‌شود از جمله یکی از آن امانات اجتماعی می‌توان به واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی به افراد نام برد که اگر همگان به ادا و حفظ این امانت اهتمام ورزند، جامعه دچار بی‌نظمی و هرج و مرج نشده و به سرعت پیشرفت می‌کند البته در بعضی تفاسیر، منظور از امانت را فرزندان و یا زنان (نجفی خمینی، ۱۲۹۸ ق: ۱۳/۲۷۴) یا امامت ائمه (مکارم، ۱۳۷۴ ش: ۱۴/۲۰۰) و یا مطلق ولایت و حکومت دانسته‌اند.

انفاق

انفاق و دستگیری از محرومان، یکی از برترین کارهاست که خیر و پاداش فراوان به همراه دارد. در همین زمینه خداوند در آیه ۱۷ و ۱۶ سوره مبارکه سجده، نماز شب و شب زنده‌داری و انفاق در راه خدا را دو عملی می‌داند که پاداش آن، از تصور انسان خارج است و نیز در آیه ۳۸ سوره روم نیز به اهل انفاق وعده رستگاری داده شده: "فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لِّذَيْنَ يُرِيدُونَ وَجَهَ اللَّهُ وَأَوْلِيكَ هُمْ الْمُقْلِحُونَ"

علامه طباطبائی در این باره می‌فرماید: ذی القربی به معنای صاحب قرابت از ارحام است و مقصود خویشاوندان می‌باشد و مسکین کسی را گویند که از فقیر بد حال تر باشد و ابن سبیل مسافری را گویند که در راه مانده و حاجتمند است. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۶/۱۸۵)

در این آیه شریفه دو نکته وجود دارد، نخست اینکه، انفاقی به رستگاری انسان می‌انجامد که از عنصر (اخلاص) برخوردار باشد و نیز نکته دوم اینکه در (فَاتِ ذَالْقُرْبَى حَقَّهُ) لفظ (حَقَّهُ) آمده که نشان دهنده شریک بودن خویشاوندان در اموال انسان است و اگر انسان مالی به آن‌ها می‌بخشد، در حقیقت، حق آنان را ادا می‌کند و منتی بر گردن آن‌ها ندارد. البته در باب انفاق بحث بسیار است از جمله آیاتی که در فضیلت انفاق کردن اهل بیت به محرومان آمده همچون آیه ۵۵ سوره مائده که در فضیلت علی (علیه السلام) است و... که مجال بحث در اینجا نیست.

یاد خدا و نعمات او

انسان می‌تواند با یاد کردن همیشگی خداوند زمینه رستگاری خویش را آماده سازد. قرآن می‌فرماید...: "وَأذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ" ("جمعه/۱۰، انفال/۴۵) همچنین قرآن برای معرفی افراد فائز در سوره حشر، ابتدا هشدار می‌دهد که مبدا از کسانی باشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به فراموشی از خودشان گرفتار کرد و اینگونه افراد فاسق و گنهکارند. "وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ" ("حشر/۱۹) و سپس می‌فرماید: "لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ" ("حشر/۲۰) سیاق آیه فوق به خوبی نمایانگر این است که مقصود از (اصحاب النار) فراموش کنندگان خدا و مقصود از (اصحاب الجنة) یادکنندگان خدا و اهل مراقبت از خویشان هستند. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۹/۲۲۸) بنابراین آیاتی نظیر آیات فوق دلالت بر اهمیت ذکر خدا و مناجات با او برای سعادت‌مندی و رستگاری در زندگی دارند. علامه طباطبائی ذیل آیه ۱۰ سوره جمعه می‌فرماید: منظور از ذکر در اینجا اعم از ذکر زبانی و قلبی است و در نتیجه شامل توجه باطنی به خدا نیز می‌شود وقتی انسان زیاد به یاد خدا باشد، این یاد خدا در نفس آدمی رسوخ می‌کند و در ذهن نقش می‌بندد و عوامل غفلت را از دل ریشه کن ساخته، باعث تقوای دینی می‌شود. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۹/۲۷۴)

قطعاً هنگامی که نام خدا برده شود در قلب انسان عظمت، قدرت، علم و حکمت متجلی می‌گردد زیرا که او دارای اسماء حسنی و صفات علیا و صاحب تمام کمالات و منزله از هر گونه عیب و نقص است. توجه مداوم به چنین حقیقتی، روح انسان را به نیک‌ها و پاک‌ها سوق می‌دهد و از بدی‌ها و زشتی‌ها پیراسته می‌گرداند. یاد او، یادآوری مراقبت اوست، یاد حساب و جزای اوست و چنین یادی است که جان را صفا و دل را نور و حیات می‌بخشد.

در باب یادآوری نعمات الهی نیز باید گفت که دامنه نعمات الهی به قدری وسیع است که به تعبیر قرآن قابل شمارش نیست: "... وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا" ("نحل/۱۸)

پروردگار در آیه‌های فراوانی مردم را به یادآوری نعمات فرا می‌خواند و می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ

خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَزُقُّكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (فاطر/۳) همچنین در سوره الرحمن نیز بارها خطر تکذیب نعمات الهی را گوشزد می‌کند و می‌فرماید: "فَبَايَ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ" در قرآن یکی از ثمرات یادآوری نعمات الهی رستگاری معرفی می‌شود. خداوند در آیه ۶۹ سوره اعراف می‌فرماید: "... فَأَذْكُرُوا آلاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ."

زهد و عدم دلبستگی به دنیا

دلبستن به زخارف مادی و زرق و برق‌های دنیوی و دلبستگی به آن، موجب دلبستگی انسان به ملک و دوری از ملکوت می‌شود. مبارزه با تمایلات نابجای نفس باعث می‌شود که انسان بتواند از عالم و ملک جدا و به طرف عالم ملکوت پرواز کند. قرآن می‌فرماید: "... وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" (حشر/۹، تغابن/۱۶) علامه می‌فرماید: هر کس که خدا او را از شرتنگ چشمی و بخل حفظ فرموده، در نتیجه نه خودش از بذل مال مضایقه دارد و نه از اینکه دیگران مال دار شوند ناراحت می‌شود، چنین کسانی رستگارند. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۹/۲۰۶)

در آیه ۹۶ سوره نحل خداوند می‌فرماید: "مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ" آنچه در زندگی دنیا که یک زندگی مادی و قائم بر اساس تحول و دگرگونی است، و قوامش بر اساس حرکت و تغییر زوال است در دست شما است مانند همه دنیا دستخوش زوال است، و آنچه نزد خدا است و آن را به خصوص به پرهیزکاران وعده داده باقی است و زوال و فنا نمی‌پذیرد و هر عاقلی می‌داند که باقی بهتر از فانی است. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۲/۳۳۹)

تمسک به قرآن

خداوند در آیه ۱۵۷ سوره اعراف می‌فرماید: "... فَأَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" از این آیه شریفه استفاده می‌شود که قرآن سراسر نور و روشنگر راه رستگاری است و تمسک به آن موجب هدایت و رستگاری انسان می‌شود. باید توجه داشت که قرآن ما را به استوارترین راه‌ها هدایت می‌کند. "إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا" (اسراء/۹) علامه طباطبائی ذیل آیه می‌فرماید: یعنی این قرآن هدایت می‌کند به سوی دینی که اقوام از هر دین و مسلط تر بر اداره امور شر است و همچنان که در جای دیگر فرموده "قُلْ إِنِّي هِدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا" (طباطبائی ۱۴۱۷ ق: ۱۳/۴۶) قرآن، کتابی است عزیز و ارجمند که باطل را مطلقاً در آن راهی نیست، از جانب خدای کریم ستوده نازل شده و برای عالمیان تذکر و بیداری است، حقایق و امثال آن به صورت‌های گوناگون بیان گردیده تا مردم متذکر و بیدار گردند. کتابی است عظیم، مجید، مبین و کریم که جن و انس از آوردن نظیر آن عاجزند. قرآن تنها کتابی است که راه‌های سعادت را نشان می‌دهد و عمل به دستورات آن ضامن سعادت انسان است و بدین جهت یکی از بزرگترین وظائف مسلمین در حال حاضر ترویج تعلیم و رو آوردن به قرآن است. و نیز پیامبر اکرم می‌فرماید: "إِذَا التَّبَسُّتَ عَلَيْكَ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمَظْلَمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ" (کلینی، ۱۳۶۲ ش: ۴/باب فضل قرآن) در هنگامی که فتنه‌ها چون پاره‌های شب تاریک به شمار می‌آورند به قرآن پناه ببرد. سخن در باب تمسک به قرآن و اثرات آن و عظمت قرآن بسیار است لکن متأسفانه مجال بحث در این نوشتار نیست.

تزکیه نفس

خداوند در آیه ۹ سوره شمس می‌فرماید: "قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا" به یقین رستگار شد کسی که به تزکیه نفس پرداخت. خداوند پس

از اینکه در سوره شمس به آفریده‌های بزرگ و مهمی چون خورشید، ماه و... قسم یاد نمود، این آیه فوق را فرموده، که این نشانگر اهمیت پیراستن جسم و جان از ناپاکی‌هاست که در نتیجه آن رستگاری نصیب آدمی می‌شود.

آنگاه که انسان نفس خود را پاکیزه کرد و آن را از صفات حیوانی مبرا نمود، آنچه خیر و مایه رستگاری اوست از جانب خدا به وی الهام می‌گردد. (بانو امین، ۱۳۶۷ ش: ۴/۱۵۰) خداوند در آیه ۱۴ سوره اعلیٰ نیز می‌فرماید: "قد افلح من تزکی" یعنی یقیناً کسی که پاکی جست، رستگار گشت.

بنابراین هر کس در مقام مجاهده با نفس برآید سعادت‌مند گشته و قابلیت سکونت در جوار رحمت الهی را که همانا کمال خوشبختی است پیدا می‌کند. و بی‌گمان خدا در قلبی حضور دارد که پاکیزه و از ویژگی‌های ناشایست به دور باشد و چه رستگاری از این بالاتر که جان انسان، پاکیزه و خدا در آن حاضر باشد. راغب درباره تزکیه می‌گوید: (از نظر لغوی) به معنی نمو و رشد است. ولی در اصطلاح علمی معنی وسیعی دارد فلذا تفسیرهای گوناگون از آن کرده‌اند مثل: پاکسازی روح از آلودگی شرک، پاکسازی از اخلاق رذیله، پاکسازی عمل از محرمات، پاکسازی مال و جان به وسیله دادن زکات در راه خدا است. اگرچه تمام این تفاسیر ممکن است در معنا گسترده آیه (قد افلح من تزکی) جمع باشد ولی آیه صراحت دارد به این مطلب که یکی از عوامل رسیدن به سعادت، تزکیه است.

پیروی از خدا و رسول

در آیه ۱۳ سوره نساء خداوند می‌فرماید: "تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ" که از این آیه چنین برداشت می‌شود که ملتزم بودن به احکام اسلامی و پیروی از خدا و رسول مایه سعادت و رستگاری انسان است. تفسیر انوار درخشان در ذیل این آیه می‌نویسد: «حدود، عبارت از احکام الهی است که انتظام زندگی فرد و اجتماع بر آن‌ها استوار است. مانند: رعایت بر ایتام و کودکان بی‌سرپرست، احکام و وصیت و دین که رعایت حقوق فرد و اجتماع و انتظام معیشت به آن‌ها وابسته است. از این رو به وسیله التزام به احکام اسلامی می‌توان راه سعادت را پیموده و هنگام رستخیز نیز به نعمت‌های جاوید متنعم بود و رستگاری همانا خشنودی و کرامت نزد پروردگار است.» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق: ۳/۳۶۶)

خداوند در سوره نور به صفتی از مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: "إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" (نور/۵۱) سخن مؤمنان، هنگامی که به سوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند تنها این است که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم و این همان رستگاران واقعی هستند. علامه می‌فرماید: آری، مقتضای اعتقاد قلبی بر پیروی آنچه خدا و رسولش حکم می‌کنند همین است که دعوت خدا و رسول را لیبیک گویند نه این که آن را رد کنند. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۵/۱۴۸)

و نیز خداوند در آیه بعد (نور/۵۲) به یک قانون کلی اشاره می‌کند و آن این است که هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند و خشیت و تقوای الهی داشته باشد قطعاً وی رستگار است. همچنین خداوند در آیه ۲۷ فرقان می‌فرماید: "وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا" این آیه در بردارنده این پیام است که پیامبران، ارائه دهنده راه و روش زندگی سعادت‌مندانند مردم هستند. فلذا همراهی با آن‌ها موجب سعادت افراد خواهد بود. چرا که خداوند پیامبران را برای هدایت مردم برگزید و وحی خود را مخصوص آنان کرد و آنان برای تعلیم و تزکیه مبعوث شده‌اند و آمده‌اند که ریشه جهالت را بخشکانند و با پرورش روح آدمی وی را به کمال برسانند.

در قرآن آیات متعددی در باب صبر وجود دارد همچون آیه ۶۰ سوره روم که خداوند پیامبر را به صبر و پرهیز از خشونت در مقابل کسانی که به خدا و پیامبر و روز قیامت یقین ندارند توصیه می‌فرماید. و نیز در آیه ۲۴ سوره سجده، علت پیشوا و مقتدا شدن پیامبران و امامان و رسیدن به مقام مقتدا شدن برای هدایت مردم را صبر می‌داند و نیز در آیات دیگری چون (زمر/۱۰، قصص/۵۴ و نحل/۹۶) برخوردار بی حد و حصر از اجر و ثواب الهی را در صبر کردن می‌داند و نیز در آیه ۱۱۱ سوره مؤمنون خداوند اشاره می‌کند که: "إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ" که صبر در برابر سختی‌ها و تمسخر و شکنجه کافران که در آیات قبل مطرح شده جزایش به حدی عظیم است که خداوند اشاره می‌فرماید همانا من جزای آنان را خواهم داد و آن جزایی که فقط میزان آن را خدا می‌داند و می‌دهد.

در سوره آل عمران آیه ۲۰۰ خداوند می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ" اکمال انسان به آن است که آنچه در فطرت و نهاد دارد به عرصه ظهور درآورد و عبارت از خداشناسی و اخلاق نیک و کردار شایسته است که فطرت نیز آن را رهبری می‌نماید و رسیدن به این هدف که سبب انتظام زندگی فرد و اجتماع است بر صبر و بردباری استوار است. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق: ۳/۳۰۸) به هر حال از آیه ۲۰۰ سوره آل عمران استفاده می‌شود که صبر و مقاومت و تحمل مشکلات در راه دین چه فردی و چه جمعی دارای نقش اساسی در سعادت انسان و نیل به مقام والا در پیشگاه الهی است و دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم سرایی است موقت که در آن بزرگانی چون انبیاء و ائمه راه بهشت و جهنم را به ما معرفی کرده و ما را به رفتن به بهشت تشویق کرده و از این که به طرف جهنم گام بر می‌داریم بر حذر داشته‌اند.

زمانی که فردی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره ایمان سؤال کرد ایشان فرمودند: (آن، صبر است) که این نشان از اهمیت جایگاه صبر می‌باشد. خداوند در سوره بقره آیات ۱۵۵ تا ۱۵۷ اشاره به صفات صابران می‌فرماید و در انتهای به آنان صلوات و درود و رحمت خویش را نثار می‌فرماید: "أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ" و نیز در آیه ۴۶ سوره انفال، خدا به صابران مژده همراهی خود با آنان را می‌دهد... "وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ"

جهاد

خداوند در چندین آیه بعد از بیان جهاد در راه خدا با جان و مال وعده رستگاری داده است: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ" (مائده/۳۵) و نیز در آیه ۸۸ توبه می‌فرماید: "لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" پیامبر و آن‌هایی که به همراه او ایمان آوردند با مال و جانشان در راه خدا جهاد کردند همه نیکی‌ها برای آنان است و گروه رستگاران همین‌ها هستند.

همچنین پایداری در مقابله با دشمن و مراقبت کار دشمن نیز از عواملی است که نتیجه آن رسیدن به سعادت می‌باشد، در سوره انفال می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ" (انفال/۴۵) دشمن‌شناسی مسئله مهمی است که انسان در همه دوران باید مورد توجه قرار دهد و با توجه به شناختی که از دشمن پیدا کرده به تدبیر امور بپردازد و راه‌های مقابله با او را کشف کند و نقاط ضعف و قوت او را بشناسد تا هرگز مغلوب دشمن نشود. "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ" (آل عمران/۲۰۰) از این آیه شریفه برداشت می‌شود که یکی از عوامل سعادت فرد و جامعه، مراقبت و محافظت کردن از مرزهای عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی اسلام است. تفسیر نمونه ذیل این آیه آورده: مرابطه به معنای مراقبت از مرزها آمده است... این جمله به مسلمانان دستور آماده باش در برابر دشمن و مراقبت دائم از مرزها و سرحدات کشورهای اسلامی می‌دهد، تا هرگز گرفتار حملات غافل‌گیرانه دشمن نشوند و نیز به آن‌ها دستور آماده باش و مراقبت همیشگی در برابر حملات شیطان و هوس‌های سرکش می‌دهد، تا غافل‌گیر نگردند. لذا در بعضی از روایات از علی (علیه السلام) این جمله،

به مواظبت و انتظار نمازها یکی بعد از دیگری تفسیر شده... خلاصه این که رابطه معنی وسیعی دارد که هر گونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه اسلامی را شامل می‌شود (مکارم، ۱۳۷۴ ش ۳/۲۳۴)

تولی و تبری

یکی از مهم ترین بخش‌های فروع دین تولی و تبری است. که تولی به معنای دوستی با دوستان خدا و افرادی که در مسیر الهی گام می‌نهند و تبری یعنی بیزاری و دشمنی با دشمنان خدا و آنها که به عمد پا در مسیر شیطان می‌گذارند. خداوند در آیه ۲۲ سوره مجادله می‌فرماید: "لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ... أُولَئِكَ جِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ جِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" که در این آیه شریفه ابتدا خداوند اهمیت تبری و عدم تولی با دشمنان خدا و پیغمبر را می‌فرماید تا جایی که ایمان را در عدم تولی با دشمنان می‌داند و برای این عدم تولی هیچ مرزی را هم قائل نیست و باید تبری جست از دشمنان خدا حتی اگر نزدیکترین و وابسته‌ترین افراد چون پدر، فرزندان، برادران و یا خویشاوندان باشند. و در ادامه آیه می‌فرماید: "اولئك كتب في قلوبهم الايمان" کسانی که به عدم تولی با دشمنان خدا روی می‌آورند آن‌ها ایمان بر صفحه قلبشان حک شده و در واقع خدا بر دل اینان مهر ایمان به مبدأ و معاد زده و جلوه این ایمان، تولی و تبری می‌باشد. و همان طور که پیشتر گفتیم این مؤمنان در هنگام دعوت خدا و رسولش برای اجرای قوانین الهی فقط می‌گویند: (سمعنا و اطعنا) که این اوج شیفتگی مؤمنان به خدا و پیامبرش را می‌رساند. و در نهایت صاحبان رستگاری را اینان معرفی می‌نماید... "اولئك حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون" و این آیه دلالت بر اهمیت عقیده و باور می‌کند به گونه‌ای که وقتی انسان به خدا ایمان آورد دیگر دشمنان خدا را به دوستی بر نمی‌گزیند.

رضوان الهی

آخرین و برترین درجه فوز و رستگاری، رضوان الهی است که به معنای رضایت خدا از بندگان و رضایت بندگان از خدا است و این متها درجه آرزوی هر عارفی است و تمام مسیرهای سیر و سلوک الهی به رضوان الهی ختم می‌شود. خداوند در آیه ۷۲ سوره توبه می‌فرماید: "وَعِدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ" که وقتی در این آیه خداوند مؤمنین مرد و زن را به پاداش‌های بهشتی وعده می‌دهد در انتها می‌فرماید اما رضوان الهی از همه این‌ها عظیم‌تر و بزرگ‌تر است و این را فوز عظیم می‌داند. رضوان الهی مبدأ هر سعادت و کرامت و موجب وصول به لقاء الهی است (ابن عجبیه ۱۴۱۹ ق: ۲/۴۵) علامه طباطبائی نیز می‌فرماید: بزرگترین سعادت و رستگاری برای یک نفر عاشق و دوستدار این است که رضایت معشوق خود را جلب نماید، بدون اینکه درصدد ارضاء نفس خویش بوده باشد. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۹/۳۳۹)

و نیز خداوند در آیه ۱۱۹ سوره مائده وقتی پاداش افرادی را که در دنیا پیرو انبیاء بوده‌اند را بهشت معرفی می‌نماید در انتها می‌فرماید ایشان کسانی هستند که خدا از آن‌ها راضی و آن‌ها نیز از خدا رضایت دارند و آن‌ها همان رستگار هستند.

نتیجه

توجه به واژگانی که در مفهوم رستگاری و نجات در قرآن به کار رفته، نشان دهنده این است که نجات انسان منحصر به ایمان به مبدأ و معاد و عمل صالح است و آنچه در آیات بیان گردیده، مصادیق اعمال و تعیین حدود این ایمان است که به اخلاص، عبودیت محض پروردگار از طریق اطاعت بی‌چون و چرا از دستورات وی و در انتها رضوان الهی خاتمه می‌یابد.

بنابر این، باید گفت که حقیقت سعادت، رسیدن انسان است به هدف نهایی و کمال واقعی که عبارت است از: قرب الی الله و هرگاه انسان به آن مرحله عظیم برسد، قطعاً روح او دارای بهجت و سروری می‌شود که هیچ شادمانی و سروری به منزلت آن نخواهد رسید و در عالم آخرت نیز در جوار ذات الهی متعم به نعمت‌هایی می‌شود که هیچ گوشه نشینده و هیچ چشمی ندیده و بر دل هیچ کس خطور نکرده است و سعادت مطلق، محل بروز و ظهورش جهان آخرت است، و در نهایت باید گفت که رسیدن به کمال و سعادت نه تنها ذاتی انسان نیست، بلکه امری است اختیاری و باید هر کسی با اعمال خود و به طور آگاهانه و براساس انتخاب راه صحیح آن را بدست آورد.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن جوزی، ابو الفرج عبد الرحمان بن علی، زادالمسیر فی علم التفسیر، بیروت، دارالکتب العربی، تحقیق: عبد الرزاق المهدي، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- ۳- ابن عجبیه، احمد بن محمد، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره، حسن عباس زکی، تحقیق، احمد عبدالله قرشی رسلان، ۱۴۱۹ ق.
- ۴- ابن عربی، ابو عبد الله یحیی الدین محمد، تفسیر ابن عربی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، تحقیق: سمیر مصطفی رباب، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- ۵- ابن عطیه اندلسی، عبد الرزاق بن غائب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بیروت، دارالکتب العلمیه تحقیق: عبد السلام عبد الشافی محمد، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- ۶- ابن فارس، احمد، مقایس اللغه، مصر، ۱۴۰۴ ق.
- ۷- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، غریب الحدیث، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- ۸- ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر، تفسیر القرآن الکریم، بیروت، مکتبه الهلال، ۱۴۱۰ ق.
- ۹- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
- ۱۰- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دارالفکر، تحقیق: محمد جمیل صدقی، ۱۴۲۰ ق.
- ۱۱- ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، تحقیق: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، ۱۴۰۸ ق.
- ۱۲- امینی، ابراهیم، خودسازی، قم، نشر شفق، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ش.
- ۱۳- انیس ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
- ۱۴- بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۷ ش.
- ۱۵- بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت، دارالکتب العلمیه، تصحیح محمد علی شاهین، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۶- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و دررالکلم، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- ۱۷- حسینی شیرازی، سید محمد، تبیین القرآن، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۳ ق.
- ۱۸- حسینی همدانی، سید محمد حسین، تفسیر انوار درخشان، تهران، لطفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۹- دشتی، محمد، نهج الحیاء، قم، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)، ۱۳۷۲ ش.

- ۲۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، قم، نوید اسلام، ۱۲۹۰ ش.
- ۲۱- زحیلی، وهبه بن مصطفى، التفسیر المنیر فی القعیده و الشریعة و المنهج، بیروت و دمشق، دارالفکر المعاصر، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق.
- ۲۲- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
- ۲۳- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بحر العلوم، بی تا، بی جا.
- ۲۴- شبر، سید عبدالله، تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دارالبلاغه للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
- ۲۵- شریف رضی، نهج البلاغه با ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
- ۲۶- شوکانی، محمد بن علی، فتح القدیر، دمشق و بیروت، دار ابن کثیر، دارالله الطیب، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- ۲۷- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- ۲۸- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، منشورات دار مکتبه الحیاء، بی تا
- ۲۹- طبرسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، تحقیق: شیخ آقابزرگ تهرانی و احمد قصیر عاملی، بی تا.
- ۳۰- عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تهران، انتشارات صدوق، ۱۳۶۰ ش.
- ۳۱- عبد الباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس، بی تا، بی جا.
- ۳۲- عسکری، حسین بن عبد الله، الفروق فی اللغة، بیروت، دارالآفاق الجدیدة، ۱۴۰۰ ق.
- ۳۳- عکبری، عبدالله بن حسین، التبیان فی اعراب القرآن، عمان و ریاض، بیت الافکار الدولیه، بی تا.
- ۳۴- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۹ ش.
- ۳۵- عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
- ۳۶- قرشی، سیدعلی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
- ۳۷- فیومی، مصباح المنیر، قم، ۱۴۰۵ ق.
- ۳۸- قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، تصحیح: سید صادق میرشفیعی، قم، انتشارات مسجد جمکران چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش.
- ۳۹- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
- ۴۰- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
- ۴۱- مصباح یزدی، محمد تقی، به سوی خودسازی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۸۰ ش.
- ۴۲- مطهری، مرتضی، حکمتها و اندرزها، تهران - انتشارات صدرا، ۱۳۷۲ ش.
- ۴۳- مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از دانشمندان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
- ۴۴- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه اهل بیت علیهم السلام، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
- ۴۵- میرزا خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۹۰ ق.
- ۴۶- نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۹۸ ق.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

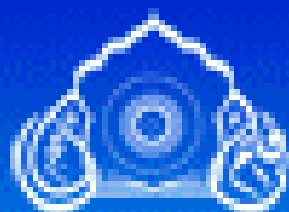
ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

